

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۳۹ پاییز ۱۳۹۴

مقایسه هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز

آذر یزدانی^۱

امیر پناه‌علی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز بود. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه مراجعان متقاضی طلاق (زن) اعم از مراجعان خود ارجاعی و یا ارجاع داده شده از طرف دادگاه خانواده شهرستان تبریز به مراکز مشاوره دادگاه خانواده و زنان متأهل غیرمتقاضی در سال ۱۳۹۳ بود. در این راستا تعداد ۸۰ نفر از افراد متقاضی طلاق (۱۸ تا ۵۰ سال) و از افراد متأهل غیرمتقاضی دسترس انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن بود. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج، مولفه‌های شادمانی، استقلال فردی، تحمل فشار، خودشکوفایی و مسئولیت‌پذیری هوش هیجانی بین گروه‌های متقاضی طلاق و عادی متفاوت است.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی؛ شادکامی؛ خود شکوفایی؛ مسئولیت‌پذیری

مقدمه

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس بر پایه‌های مناسب است. انسانی‌ترین عمل تنظیم این روابط، همان ازدواج است که می‌توان آن را به عنوان اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد (ستوده، ۱۳۸۰). همسرگزینی مرد و زن مقدمه‌ای برای تشکیل خانواده است. اظهار علاقه زن و مرد به یکدیگر، نهایتاً به پیوند سیستم‌های ارزشی آن‌ها، ویژگی‌های مزاجی و شخصی و ظرفیت آنها در عشق ورزیدن و ورود به یک رابطه مشترک می‌انجامد (بارکر^۱، ۱۳۸۲). براساس طرح نمونه‌گیری سال ۱۳۸۰، حدود ۹۹ درصد مردان و ۹۸ درصد زنان در جامعه ایرانی تا سن ۵۰ سالگی حداقل یک بار ازدواج کرده بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳). ازدواج و رابطه زناشویی، منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. از طرفی، ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، یگانگی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده خواهد بود (بت، گابین، فالوی^۲، ۲۰۰۵). به تحقق پیوستن اهداف ازدواج پس از برقراری رابطه زناشویی، موجب احساس رضایت و خوشبختی فرد می‌شود و خلاف این امر، اختلاف زناشویی و در نهایت نارضایتی از ازدواج را به همراه خواهد داشت. ازدواج را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در اجتماع دانست که اگر با مشکل روبرو شود بهداشت روانی حاصل نخواهد شد و اثرات منفی و ماندگار آن نظیر افسردگی و اضطراب و دیگر اختلالات روانی نتیجه این نارضایتی زناشویی خواهد بود (اولسن و دفرین^۳، ۲۰۰۶). خانواده یک گروه طبیعی اجتماعی است و اعضای آن از طریق پیوند زناشویی، همخونی و فرزندخواندگی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. آنان فرهنگ مشترکی را پدید می‌آورند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۳).

آمارها نشان می‌دهد که رضایت زناشویی به راحتی به دست نمی‌آید. بر اساس آمارهای طلاق، تخمین زده می‌شود که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از نخستین ازدواج در ایالات متحده آمریکا و حدود ۲۴ درصد در ایران منجر به طلاق می‌شود (جهانگیری و محمدی،

1- Barker
3- Olson & Defrain

2- Batt, Gabhainn & Falvey

۱۳۹۰). اغلب افرادی که ازدواج می‌کنند، در آغاز زندگی دارای سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند، اما علاوه بر افت تدریجی که با گذشت زمان در رضایت زناشویی رخ می‌دهد، در همان هفته‌ها و ماه‌های اول ازدواج نیز مشکلات جدی رخ می‌دهد که اگر حل نشود می‌تواند رضایت و ثبات رابطه زناشویی را تهدید کند (مارکمن و فلوید^۱، ۲۰۰۲). تحقیقات نشان داده‌اند که آشفتگی زوج‌ها، با اختلالات رفتاری و هیجانی فردی رابطه دارد (ویسمن، شلدون و گئورینگ^۲، ۲۰۰۰). در مقایسه با افراد متاهل سازگار، زوج‌های آشفته ۳ بار بیشتر احتمال دارد که مبتلا به اختلالات خلقی، ۲/۵ بار بیشتر مبتلا به اختلالات اضطرابی، ۲ بار بیشتر دچار سو مصرف مواد و ۵/۵ بار بیشتر خشونت خانوادگی را تجربه کنند (کیکلت-گلاسر و نیوتن^۳، ۲۰۰۱).

ناتوانی در بروز به موقع مهارت‌های هیجانی می‌تواند سلامت فکری، جسمانی و روانی افراد را تهدید کند و سازگاری فرد را در تعامل با دیگران به چالش بکشد. گاهی هیجان‌نا به‌جا منجر به شناخت و دانش غلط می‌شود و زندگی اجتماعی، تحصیلی، شغلی و خانوادگی افراد را در معرض خطر قرار می‌دهد. توجه به هوش هیجانی به عنوان یک ویژگی انسانی، نقش آن در موفقیت‌های انسان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین فعالیت در زمینه هوش هیجانی به منظور شناسایی عواملی غیر از عوامل عقلی در زندگی افراد مؤثر و راهگشاست و تکمیل صلاحیت‌های انسانی می‌باشد. واژه هوش هیجانی برای اولین بار توسط پایپر^۴ در رساله دکترا استفاده شده است ولی سالووی و مایر^۵ (۱۹۹۰) معنای آن را توسعه دادند.

هوش هیجانی به‌عنوان یک توانایی، عبارتست از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجان‌های خود و دیگران (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). از آنجا که مولفه‌های اساسی هوش هیجانی عبارتست از توانایی فهم هیجان‌های دیگران و توانایی تنظیم و مهار خود و دیگران به شیوه سازگارانه، انتظار می‌رود افرادی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند سازگاری اجتماعی و مهارت اجتماعی^۶ بهتری را نشان بدهند. بنابراین مهارت‌های

1- Markman & Floyd
3- Kiecolt-Glaser & Newton
5- Salovey & Mayer

2- Whisman, Sheldon & Goering
4- Paper
6- Social Skills

اجتماعی عبارت از توانایی برقراری ارتباط اجتماعی مقبول با افراد به گونه ای که برای فرد و دیگران سودمند باشد (سیاروجی، فورکاس و مایر، ۱۳۸۴). هوش هیجانی از سوی برخی از محققان شامل متغیرهای شخصیتی است که با شاخص‌های بین موقعیتی رفتار نظیر همدلی، جرات مندی و خوش بینی ارتباط دارد (گلمن^۱، ۱۹۹۵). در دنیای متحول امروز داشتن هوشبهر بالا تضمین‌کننده موفقیت افراد در زندگی فردی و اجتماعی نبوده و ضروری است که هر فرد به مهارت‌های مقابله‌ای^۲ و مناسب و سایر عوامل موفقیت‌زا مانند هوش هیجانی^۳ مجهز باشد تا بتواند با محیط پیرامون خود ارتباط بهتری برقرار نموده و موثرتر مسائل روزمره زندگی خود را حل نماید. شیوه عقلانی و شیوه هیجانی و زندگی روانی انسان ناشی از تعامل هردو کارکرد می‌باشد. گلمن معتقد است به‌جای نادیده انگاشتن هیجان‌ها، شخص باید هوشمندانه با آنها مواجهه شود. تنها با هوش هیجانی می‌توان خود را برای پایداری در مواجهه با ناکامی برانگیخت، حالات روحی و خلق خود را تنظیم نمود ارضای نیازی را به تعویق انداخت و از غرق شدن تفکر در مسائل ناراحت‌کننده اجتناب کرد و با دیگران همدلی نمود (گلمن، ۱۳۸۰).

مارتیز^۴ (۱۹۹۷؛ نقل از گلمن، ۱۹۹۵) هوش هیجانی را مجموعه‌ای از مهارت‌های غیرشناختی، توانایی‌ها و ظرفیت‌ها می‌داند که ظرفیت فرد را در مقابل مطالبات و فشارهای بیرونی مقاوم می‌سازند. طبق نظر مک‌گاروی (۱۹۹۷) هوش هیجانی مشتمل بر توانایی پیگیری و با انگیزه بودن، توانایی کنترل تکانه‌ها، توانایی کنترل هیجان‌ها، توانایی همدلی و عطف کردن است (نقل از سبحانی نژاد و یوزباشی، ۱۳۸۷). گلمن (۱۹۹۸) معتقد است؛ هوش هیجانی ظرفیت انسان را در شناخت احساسات خود و دیگران تعیین و کمک می‌کند تا در خود ایجاد انگیزش کرده و هیجان‌ها خود را کنترل و روابط خود با دیگران را بر این اساس، پی‌ریزی نماید. همچنین گلمن هوش هیجانی را مهارتی می‌پندارد که دارنده آن را می‌تواند از طریق خود آگاهی، روحیات خود را کنترل و از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد (اکبرزاده، ۱۳۸۳). بار-آن^۵ (۱۹۹۹) هوش هیجانی را

1- Golman
3- Emotional Intelligence
5- Bar-On

2- Coping skills
4- Martinez

مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌ها می‌داند که فرد را برای سازگاری موثر با محیط و نیز به موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند. بار- آن (۲۰۰۵) در تعریف دیگری معتقد است که هوش هیجانی سلسله‌ای از توانایی‌های غیرشناختی، قابلیت‌ها و مهارت‌ها است که بر توانایی افراد اثر می‌گذارد به گونه‌ای که آنان را قادر می‌سازد بر فشارهای محیطی غلبه کند.

پژوهش‌های انجام شده در مورد هوش هیجانی نشان داده‌اند که، هوش هیجانی عامل موثر و تعیین‌کننده‌ای در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی و به‌طور کلی در کنش‌وری سلامت جسمانی و روانی می‌باشد (زیدنر، متیوس، روبرتز^۱، ۲۰۰۹؛ مایر، سالووی، گاروسو^۲، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که، هوش هیجانی (EQ) بیش از هوشبهر (IQ) پیش‌گویی‌کننده موفقیت فرد در زندگی است، افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت‌های اجتماعی بهتر، روابط درازمدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. اگرچه انسان‌ها به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجان‌ات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می‌تواند موجب افزایش توانایی‌ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند، شود. (مایر، سالووی، گاروسو، ۲۰۰۸).

سلیمانیان و محمدی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین گزارش کردند که ۳۰ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. بحث شناخت و هیجان همواره در فلسفه و بعد از آن در پژوهش‌های روانشناختی مورد توجه بوده است (اکبرزاده، ۱۳۸۳). از پیشگامان روان‌شناسی خانواده کسی که بیشترین تأکید را بر نقش هیجان‌ات را در خانواده نموده است سیر می‌باشد. وی اعضای خانواده را در برقراری ارتباط سالم به سمت بیان هیجان‌ات توجه و توجه به هیجان‌ات یکدیگر در خانواده ترغیب می‌نمود (جهانگیری، محمدی، ۱۳۸۳).

1- Zeidner, Matthews & Roberts

2- Mayer, Salovey & Caruso

هیجان ممکن است تسهیل کننده یا مختل کننده تفکر موثر و واکنش‌های ما باشد که هر کدام از این موارد، به شرایطی که در آن قرار می‌گیریم بستگی دارند. بر همین اساس امروزه هوش هیجانی به عنوان یک عامل موثر بر رفتار آدمی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است.

در تحقیقی درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات، مالوف، بابیک، کوستن، جولیکا، رودز و وندورف (۲۰۰۱) انجام شد. نتایج نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالا، نمرات بیشتری در همدلی، خود بازمینی و خود کنترلی در موقعیت‌های اجتماعی کسب کردند، این افراد پاسخ‌های همراه با بازی و مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند. روابط نزدیک‌تر و محبت‌آمیزتری را از خود نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند. آنها همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت داده‌اند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

تحقیقات بسیاری بر روی تعاملات بین زوجین به منظور بررسی پیامدهای زناشویی، تمرکز کرده‌اند. این پژوهش‌ها راه‌های ارتباطی موثر و مهارت‌های حل تعارض در آن‌ها را مورد مطالعه قرار دادند و اهمیت روش‌های ارتباطی را نشان داده و نیز ابزار هیجان‌ات زوجین به یکدیگر را، تعیین کننده مهمی در رابطه زناشویی پایدار معرفی کرده‌اند (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰). این مهارت‌ها بخشی از مولفه‌های هوش هیجانی هستند. ارتباط بین فکر و احساس از عناصر اساسی است که هوش هیجانی ارائه می‌دهد. زمانی که این مهارت‌ها در موقعیت‌های مناسب به کار گرفته شوند، پیامدهای موفقیت آمیزی را به وجود می‌آورند. چنین مهارت‌هایی از قبیل توانایی کنترل عواطف خود و دیگران و نیز ابزار عواطف اهمیت درک رفتارهای بین فردی در زوجین را نشان می‌دهد. به‌طور کلی هوش هیجانی سهم قابل ملاحظه‌ای در روابط بین فردی و رضایت از رابطه دارد. به‌طوری که بریکر (۲۰۰۵) رابطه معناداری را میان رضایت زناشویی و هوش هیجانی نشان دادند.

به‌طور کلی، اهمیت مولفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این‌گونه می‌توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین به مهارت‌های ارتباطی آن‌ها مثل توجه به مسائل

از زاویه دید همسر، توانایی درک همدلانه آن‌چه همسر تجربه کرده است، احساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ کار، ۲۰۰۶).

انتخاب همسر از اساسی‌ترین انتخاب‌های دوران جوانی است. بسیاری از افراد اهمیت این انتخاب را برابر با خوشبختی یا بدبختی بقیه دوران زندگی فرد می‌دانند. دلیل این همه تأکید بر مساله انتخاب همسر شاید معین کردن مسیر زندگی در دوران بعد از جوانی است (حسن‌زاده، ۱۳۸۶). اگر به‌طور طبیعی و متعارف گذر عمر را بررسی کنیم بیش از دو سوم آن با همسر سپری می‌شود. شریک زندگی که نقش اصلی را در خانه بازی می‌کند، می‌تواند زندگی را شیرین و لذت‌بخش کند و یا آن را تلخ و در نهایت منتهی به جدایی سازد که خود ضایعات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. بنابراین می‌توان گفت که زمان انتخاب همسر، حساس‌ترین نقطه زندگی است و چون تعیین‌کننده است، بنابراین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این توصیف اگر ازدواج به طلاق منجر شود، در واقع فرد دچار تنش‌های شدید می‌شود و ممکن است دچار مشکلات روانی و آسیب‌های اجتماعی شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۶). بنابراین با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال می‌باشد که آیا بین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر تحقیق علی - مقایسه‌ای از نوع مقطعی - مقایسه‌ای بود.

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه مراجعان متقاضی طلاق (زن) اعم از مراجعان خود ارجاعی و یا ارجاع داده شده از طرف دادگاه خانواده شهرستان تبریز به مراکز مشاوره دادگاه خانواده و زنان متأهل غیرمتقاضی در سال ۱۳۹۳ بود. نمونه آماری تحقیق حاضر پس از تصویب طرح تحقیق و اخذ مجوز، با مراجعه به دادگاه خانواده تعداد ۸۰ نفر از افراد متقاضی طلاق (۱۸ تا ۵۰ سال) به‌روش نمونه‌گیری در دسترس از بین مراکز

مشاوره دادگاه خانواده نمونه‌برداری شد. نمونه عادی پژوهش حاضر از بین زنان متأهل که به لحاظ جنسیت (زنان)، دامنه سنی (۱۸-۵۰ سال)، ساکن شهرستان تبریز بودن، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، وضعیت شغلی، تحصیلات هم‌تا انتخاب شد، به همان تعداد (۸۰ نفر) به‌روش در دسترس انتخاب شد. بر اساس نظر دل‌اور (۱۳۸۷) در تحقیقات علی-مقایسه‌ای تعداد ۳۰ نفر برای هر گروه کفایت می‌کند، لذا برای بالا بردن اعتبار تحقیق، نمونه‌ای به حجم ۸۰ نفر برای هر گروه مشخص گردید.

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه هوش هیجانی: ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری هوش هیجانی پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷) خواهد بود. این پرسشنامه دارای ۱۱۷ عبارت و ۱۵ خرده‌مقیاس می‌باشد که توسط بار-آن بر روی ۳۸۳۲ نفر از ۶ کشور هنجاریابی شده است. این پرسشنامه بر روی دانشجویان ایرانی نرم شده و عبارت‌های آن به ۹۰ عبارت کاهش یافته است (دهشیری، ۱۳۸۲). خرده‌مقیاس‌های آن عبارتند از: ۱- خودآگاهی هیجانی^۱: میزان آگاهی فرد از احساسات خویش و درک و فهم این احساسات است که با سوالات ۶۶، ۵۱، ۳۶، ۲۱، ۶، ۸۱ اندازه‌گیری می‌شود. ۲- جرات‌مندی^۲: توانایی ابراز احساسات، باورها، افکار و دفاع منطقی و مطلوب از حق و حقوق خویش است که با سوالات ۹۰، ۷۵، ۶۰، ۴۵، ۳۰، ۱۵ اندازه‌گیری می‌شود. ۳- حرمت نفس^۳: توان خود آگاهی و درک و پذیرش خویش و احترام به خود که با سوالات ۸۵، ۷۰، ۵۵، ۴۰، ۲۵، ۱۰ اندازه‌گیری می‌شود. ۴- خودشکوفایی: توانایی تشخیص استعدادهای ذاتی و استعداد انجام دادن کارهایی که شخص می‌تواند و می‌خواهد و از انجام دادن آنها لذت می‌برد که با سوالات ۵۰، ۳۴، ۲۰، ۵، ۶۵، ۸۰ اندازه‌گیری می‌شود. ۵- استقلال عمل^۴: توانایی خود رهبری، خویش‌داری فکری و عمل‌رهایی از وابستگی‌های هیجانی که با سوالات ۷۸، ۶۳، ۴۸، ۳۳، ۱۸، ۳ اندازه‌گیری می‌شود ۶- هم‌حسی^۵: حساسیت نسبت به

1- Self-Awareness Emotion
3- Self-Regard
5- Empathy

2- Assertiveness
4- Independence

علايق و احساسات ديگران و تحمل ديده‌گاه‌هاي آنان و بها دادن به تفاوت‌هاي موجود بين افراد در رابطه با احساسات خود نسبت به اشيا و امور است که با سوالات ۸۹، ۷۴، ۵۹، ۴۴، ۲۹، ۱۴ اندازه‌گيري مي‌شود. ۷- مسئوليت اجتماعي^۱: اين بعد از هوش هيجاني توانايي است که باعث مي‌شود فرد خود را به‌عنوان عضو مفيد و سازنده و داراي حس همکاري در گروه اجتماعي خويشتن معرفي مي‌کند و با سوالات ۸۸، ۷۳، ۵۷، ۴۳، ۲۸، ۱۳ سنجيده مي‌شود. ۸- روابط ميان فردي: توانايي ايجاد و حفظ روابط رضايتمندانه متقابل که نزديکي عاطفي، صميميت و دادوستد مه‌راميز از ويژگي‌هاي آن است و با سوالات ۸۳، ۶۸، ۵۳، ۳۸، ۲۳، ۸ سنجيده مي‌شود. ۹- واقع‌گرائي^۲: ارزيابي رابطه بين تجربه عاطفي و عينيتهاي موجود شامل تحقيق درباره شواهد عيني براي تاييد توجه و اثبات احساسات ادراکات و اندیشه‌ها که شامل سوالات ۸۲، ۶۷، ۵۲، ۳۷، ۲۲، ۷ است. ۱۰- انعطاف‌پذيري^۳: توانايي کنار آمدن با هيجان‌ها، افکار و رفتارهاي فرد در شرايط و موقعيتهاي متغير که با سوالات ۸۷، ۷۲، ۵۷، ۴۲، ۲۷، ۱۲ سنجيده مي‌شود. ۱۱- حل مساله^۴: توانايي تشخيص و تعريف مشکلات و خلق و به‌کار بردن روش‌هاي موثر که با سوالات ۷۶، ۶۱، ۴۶، ۳۱، ۱۶، ۱ سنجيده مي‌شود. ۱۲- تحمل تنش‌ها^۵: توانايي تحمل فرد در برابر رويدادهاي ناخوشايند و شرايط تنش‌زا و هيجان‌هاي شديد که سوالات ۷۸، ۶۴، ۴۹، ۳۴، ۱۹، ۴ را شامل مي‌شود. ۱۳- کنترل تکانه: توانايي مقاومت فرد در برابر تنش‌ها يا وسوسه‌ها و کنترل هيجان‌هاي خويش که با سوالات ۲۶، ۱۱، ۸۶، ۷۱، ۵۶ سنجيده مي‌شود ۱۴- خوش‌بيني: نگرش مثبت نسبت به‌خود هنگام وجود داشتن احساسات منفي و ناخوشايند که شامل سوالات ۲۴، ۹، ۸۴، ۶۹، ۵۴، ۳۹ است. ۱۵- شادکامي^۶: احساس رضايتمندانه از زندگي، احساس رضايتمندانه از خود و ديگران سرتاسر زندگي و ابراز احساسات مثبت که با سوالات ۷۷، ۶۲، ۴۷، ۳۲، ۱۷، ۲ سنجيده مي‌شود (بار-آن، ۱۹۹۹؛ فتحي آشتياني، داستاني، ۱۳۸۸). در تحقيق بار-آن (۱۹۹۷) ضرايب بازآزمائي پس از يك ماه ۰/۸۵ و بعد از ۴ ماه ۰/۷۵ گزارش شده است. در بررسي ديگري ضريب

1- Social Responsibility
3- Flexibility
5- Stress-tolerance

2- Reality testing
4- Problem Solving
6- Happiness

همسانی درونی به‌روش آلفای کرونباخ در هفت نمونه از جمعیت‌های مختلف، برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۹ (مسئولیت‌پذیری) تا ۰/۸۶ (حرمت نفس) با میانگین ۰/۷۶ به دست آمد (بار- آن و پارکر، ۲۰۰۰). در ایران نیز زارع (۱۳۸۰) میانگین کل همسانی درونی پرسشنامه را ۰/۷۶ و شمس‌آبادی (۱۳۸۳) ضرایب آلفا را در دامنه‌ای بین ۰/۵۵ (همدلی) تا ۰/۸۳ (کنترل تکانه) با میانگین ۰/۷ گزارش کرده‌اند. دهشیری (۱۳۸۲) ضریب پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای دانشجویان دختر ۰/۶۸، برای پسران ۰/۷۴ و برای کل ۰/۹۳، همچنین پایایی به‌روش زوج و فرد ۰/۸۸ به‌دست آمد. از آنجا که پرسشنامه مذکور بارها مورد استفاده قرار گرفته است، روایی آنها تأیید می‌گردد.

روش گردآوری و اجرای تحقیق میدانی به‌روش پرسشنامه‌ای بود. بدین صورت که پس از تصویب طرح تحقیق و دریافت معرفی نامه از دانشگاه به دادگاه خانواده مراجعه و پس از بیان هدف تحقیق به اجرای پرسشنامه بین نمونه آماری در آستانه طلاق و نمونه عادی اجرا شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و روش‌های آمار استنباطی از جمله تحلیل واریانس چندمتغیره و تی دوگروهی مستقل جهت تحلیل استفاده شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج، حداقل سن در گروه متقاضی طلاق ۱۶ و حداکثر ۴۸؛ در گروه عادی حداقل سن ۱۹ و حداکثر ۵۱ سال بود. همچنین ۲۷/۵ درصد نمونه گروه متقاضی طلاق دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۴۲/۵ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم، ۱۲/۵ درصد لیسانس و ۲/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر است. در گروه عادی ۱۳/۸ درصد زیر دیپلم، ۴۵ درصد دیپلم، ۱۳/۸ درصد فوق دیپلم، ۲۲/۵ درصد لیسانس و ۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند.

جدول (۱) توصیف آماری مولفه‌های هوش هیجانی به تفکیک گروه

گروه	متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
مقاضی طلاق	حل مساله	۱۵	۲۹	۲۱/۳۱	۲/۹۵
	شادمانی	۷	۳۰	۱۸/۵۶	۲/۲۶
	استقلال فردی	۱۰	۲۷	۱۹/۰۵	۳/۸۶
	تحمل فشار	۸	۳۰	۱۶/۰۴	۴/۵۶
	خود شکوفایی	۱۱	۲۹	۱۹/۸	۴/۱۹
	خودآگاهی هیجانی	۸	۲۲	۱۵/۲۹	۲/۴۶
	واقع‌گرایی	۱۱	۲۵	۱۸/۴	۳/۲
	رابطه بین فردی	۱۲	۳۰	۲۳/۰۳	۳/۴۳
	خوش‌بینی	۱۰	۳۰	۲۰/۸۹	۳/۹۹
	عزت نفس	۱۱	۳۰	۲۱/۴۶	۴/۳۷
	کنترل تکانه	۸	۲۹	۱۶/۰۱	۵/۰۲
	انعطاف‌پذیری	۱۰	۲۷	۱۷/۷۹	۳/۸۸
	مسئولیت‌پذیری	۱۸	۳۰	۲۲/۸۱	۲/۹۷
	همدلی	۱۶	۳۰	۲۳/۲۶	۲/۸۹
	خود ابرازی	۷	۳۰	۱۷/۷۴	۵/۱۳
	هوش هیجانی (نمره کل)	۲۱۹	۳۸۵	۲۹۱/۴	۳۸/۲
	عادی	حل مساله	۱۰	۲۷	۲۱/۵۴
شادمانی		۱۲	۲۹	۲۱/۶	۲/۸۲
استقلال فردی		۱۰	۲۸	۲۰/۷	۳/۶۸
تحمل فشار		۶	۳۹	۱۸/۱۵	۴/۱۵
خود شکوفایی		۹	۲۶	۲۱/۵۴	۳/۲۰
خودآگاهی هیجانی		۱۲	۲۱	۱۵/۴۴	۲/۱۲
واقع‌گرایی		۱۱	۲۴	۱۸/۷۶	۲/۹۶
رابطه بین فردی		۱۲	۳۰	۲۲/۷	۳/۹۴
خوش‌بینی		۱۲	۲۸	۲۰/۸	۲/۷۸
عزت نفس		۱۰	۳۰	۲۱/۰۹	۴/۱۱
کنترل تکانه		۷	۲۵	۱۶/۹۴	۴/۰۰۷
انعطاف‌پذیری		۹	۲۷	۱۷/۹۱	۲/۹۲
مسئولیت‌پذیری		۱۴	۲۹	۲۴/۱۵	۲/۹۴
همدلی		۱۵	۳۰	۲۳/۷۱	۳/۲۵
خود ابرازی		۱۲	۴۳	۱۹/۱۱	۴/۰۴
هوش هیجانی (نمره کل)		۱۹۱	۳۵۸	۳۰۴/۱	۲۶/۶۷

در گروه متقاضی طلاق مؤلفه خود آگاهی هیجانی دارای کمترین میانگین و همدلی دارای بیشترین میانگین می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج مندرج، در گروه عادی نیز مولفه خود آگاهی هیجانی دارای کمترین میانگین و مولفه مسئولیت‌پذیری دارای بیشترین میانگین می‌باشد.

فرضیه اول: بین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد.

جدول (۲) نتایج تجزیه و تحلیل آزمون تی مستقل جهت مقایسه میانگین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی همراه با آزمون لوین جهت بررسی مفروضه یکسانی واریانس‌ها

مقدار t	درجه آزادی	آزمون لوین	
		معناداری (p)	F
-۲/۴۴	۱۵۸	۰/۲۴۳	۱/۱۷

بر اساس نتایج مندرج در جدول، چون سطح معناداری مقدار F لوین ($\text{sig}=۰/۲۴۳$) بزرگ‌تر از $۰/۰۵$ می‌باشد، بنابراین فرض برابری واریانس‌ها برقرار است و باید مقدار t برای موارد یکسانی واریانس‌ها گزارش شود. همچنین بر اساس نتایج مندرج چون t به دست آمده ($-۲/۴۴$) در سطح معنی‌داری $\alpha=۰/۰۵$ از مقدار t جدول ($|۱/۹۶|$) بزرگ‌تر می‌باشد، بنابراین بین میانگین نمرات هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج می‌توان نتیجه گرفت فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. بنابراین بر اساس نتایج بین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مولفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی هیجانی، جرات مندی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال عمل، هم‌حسی، مسئولیت اجتماعی، روابط میان فردی،

واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مساله، تحمل تنش‌ها، کنترل تکانه، خوش‌بینی، شادکامی) زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد.

جهت تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش از روش تحلیل واریانس چندمتغیری بهره گرفته شده است. قبل از بررسی فرضیه تحقیق ابتدا برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون غیر پارامتریک کالموگروف-اسمیرنف استفاده شد که نتایج آن نشان می‌دهد؛ توزیع نمرات گروه‌ها با توزیع نرمال تفاوت معنی‌دار ندارد. جهت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره از آزمون برابری ماتریس کواریانس باکس استفاده گردید. نتایج آزمون باکس نشان داد ماتریس‌های واریانس-کوواریانس متغیرها برابر بوده و باهم تفاوت معناداری ندارند. بنابر این می‌توان از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده کرد.

جدول (۳) نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری

آزمون‌ها	ارزش مقدار F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا معناداری (P)	اندازه اثر
اثر پیلائی	۸/۴۸۸	۱۵	۰/۴۶۹	۰/۴۶۹
لامبدای ویلکز	۸/۴۸۸	۱۵	۰/۵۳۱	۰/۴۶۹
اثر هتلینگ	۸/۴۸۸	۱۵	۰/۸۸۴	۰/۴۶۹
بزرگ‌ترین ریشه روی	۸/۴۸۸	۱۵	۰/۸۸۴	۰/۴۶۹

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، نسبت F به دست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0.05$) معنادار می‌باشد. در نتیجه گروه‌ها (متقاضی طلاق و عادی) حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (مولفه‌های هوش هیجانی) باهم متفاوت بوده و تفاوت معناداری دارند. ولی این آماره نشان نمی‌دهد که در کدام یک از متغیرهای وابسته تفاوت دارند. برای این منظور ابتدا از آزمون برابری واریانس‌های خطای لون استفاده می‌کنیم.

جدول (۴) نتایج آزمون لون جهت بررسی مفروضه تجانس واریانس‌ها

متغیرهای مورد مطالعه	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
حل مساله	۰/۰۲۶	۱	۱۵۸	۰/۸۷۱
شادمانی	۰/۱۹۱	۱	۱۵۸	۰/۶۶۳
استقلال فردی	۰/۲۲۷	۱	۱۵۸	۰/۶۳۴
تحمل فشار	۱/۴۱۲	۱	۱۵۸	۰/۲۳۶
خودشکوفایی	۲/۷۴	۱	۱۵۸	۰/۱
خودآگاهی هیجانی	۱/۳۱۷	۱	۱۵۸	۰/۲۵۳
واقع‌گرایی	۰/۵۷۵	۱	۱۵۸	۰/۴۵
رابطه بین فردی	۰/۰۱۹	۱	۱۵۸	۰/۸۸۸
خوش‌بینی	۱/۳۴	۱	۱۵۸	۰/۲۴
عزت‌نفس	۱/۷	۱	۱۵۸	۰/۱۹۴
کنترل تکانه	۱/۲۲	۱	۱۵۸	۰/۲۷۱
انعطاف‌پذیری	۰/۴۸۳	۱	۱۵۸	۰/۴۸۸
مسئولیت‌پذیری	۱/۹۲	۱	۱۵۸	۰/۱۶۷
همدلی	۰/۰۱۶	۱	۱۵۸	۰/۸۹۸
خودابرازی	۶/۳۸	۱	۱۵۸	۰/۰۱۳

توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۴ مشاهده می‌شود که تجانس اکثر متغیرهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0.05$) برقرار است. لذا بعد از آن به بررسی این موضوع می‌پردازیم که کدام یک از متغیرهای وابسته (مولفه‌های هوش هیجانی)، به طور جداگانه از متغیر مستقل (گروه‌ها) اثر پذیرفته است؟ در ادامه نتیجه آزمون اثرات بین آزمودنی آورده شده است.

جدول (۵) نتایج اثرات بین آزمودنی

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	متغیر وابسته	منبع تغییرات
۰/۶۴۲	۰/۲۱۷	۲/۰۲	۱	۲/۰۲	حل مساله	گروه
۰/۰۰۱	۱۷/۴۵	۳۶۹/۰۵۶	۱	۳۶۹/۰۵۶	شادمانی	
۰/۰۰۶	۷/۶۳	۱۰۸/۹	۱	۱۰۸/۹	استقلال فردی	
۰/۰۰۳	۹/۳۷	۱۷۸/۵۰۶	۱	۱۷۸/۵۰۶	تحمل فشار	
۰/۰۰۱	۳۴/۱۷	۴۷۹/۵۵۶	۱	۴۷۹/۵۵۶	خود شکوفایی	
۰/۶۸	۰/۱۷	۰/۹	۱	۰/۹	خودآگاهی هیجانی	
۰/۴۵۹	۰/۵۵۲	۵/۲۵۶	۱	۵/۲۵۶	واقع‌گرایی	
۰/۵۵۴	۰/۳۵۲	۴/۲۲۵	۱	۴/۲۲۵	رابطه‌بین فردی	
۰/۸۹۱	۰/۰۱۸	۰/۲۲۵	۱	۰/۲۲۵	خوش‌بینی	
۰/۵۷۷	۰/۳۱۳	۵/۶۳۵	۱	۵/۶۳۵	عزت‌نفس	
۰/۲	۱/۶۵	۳۴/۲۲۵	۱	۳۴/۲۲۵	کنترل تکانه	
۰/۸۱۸	۰/۰۵۳	۰/۶۲۵	۱	۰/۶۲۵	انعطاف‌پذیری	
۰/۰۰۵	۸/۱۷	۷۱/۵۵۶	۱	۷۱/۵۵۶	مسئولیت‌پذیری	
۰/۳۵۷	۰/۸۴۵	۸/۱	۱	۸/۱	همدلی	
۰/۰۶۲	۳/۵۴۴	۷۵/۶۲۵	۱	۷۵/۶۲۵	خود ابرازی	
		۹/۳۳۳	۱۵۸	۱۴۷۳/۰۸۵	حل مساله	خطا
		۲۱/۱۴۵	۱۵۸	۳۳۴۰/۸۸۸	شادمانی	
		۱۴/۲۷	۱۵۸	۲۲۵۴/۶	استقلال فردی	
		۱۹/۰۳۲	۱۵۸	۳۰۰۷/۰۸۸	تحمل فشار	
		۱۴/۰۳۴	۱۵۸	۲۲۱۷/۴۳۷	خود شکوفایی	
		۵/۲۷۹	۱۵۸	۸۳۴/۰۷۵	خودآگاهی هیجانی	
		۹/۵۳	۱۵۸	۱۵۰۵/۶۸۸	واقع‌گرایی	
		۱۲/۰۰۵	۱۵۸	۱۸۹۶/۷۵	رابطه‌بین فردی	
		۱۱/۸۶۲	۱۵۸	۱۸۷۴/۱۷۵	خوش‌بینی	
		۱۷/۹۷۶	۱۵۸	۲۸۴۰/۲۷۵	عزت‌نفس	
		۲۰/۶۵۶	۱۵۸	۳۲۶۳/۶۷۵	کنترل تکانه	
		۱۱/۸۲۱	۱۵۸	۱۸۶۷/۷۷۵	انعطاف‌پذیری	
		۸/۷۴۹	۱۵۸	۱۳۸۲/۳۸۷	مسئولیت‌پذیری	
		۹/۴۹۳	۱۵۸	۱۴۹۹/۸۷۵	همدلی	
		۲۱/۳۳۸	۱۵۸	۳۳۳۷۱/۴۷۵	خودابرازی	

همان‌طور که در جدول ۴-۱۱ مشاهده می‌شود نتیجه آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیری برای مولفه شادمانی، تحمل فشار، خودشکوفایی و مسئولیت‌پذیری بین گروه‌ها در سطح $P < 0.05$ معنادار است. به عبارت دیگر شادمانی، استقلال فردی، تحمل فشار، خودشکوفایی و مسئولیت‌پذیری بین گروه‌های متقاضی طلاق و عادی متفاوت است.

نتیجه‌گیری و بحث

بر اساس نتایج به دست آمده، بین هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج، تیرگری، اصغرنژاد، بیان‌زاده و عابدین (۱۳۸۵)، سلیمانیان و محمدی (۱۳۸۸)، جهانگیری و محمدی (۱۳۸۳)، شات، مالوف، بابیک، کوستن، جولیکا، رودز و وندورف (۲۰۰۱)، خسرو جاوید، (۱۳۸۱)، گاتمن و نوتاریوس (۲۰۰۰)، کار (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

هوش هیجانی توسط مایر و سالووی این‌گونه تعریف شده است «توانایی درک و فهم عواطف به منظور ارزیابی افکار و خلق و خو و تنظیم آنها به گونه‌ای که موجب تعالی و رشد عقلانی-هیجانی گردد». از امتیازهای هوش هیجانی این است که با افزایش سن افزایش پیدا می‌کند، در حالی که هوش شناختی چنین امتیازی را ندارد و بخش گسترده‌ای از آن در محدوده‌ی سنی خاصی متوقف می‌شود. همچنین طبق تحقیق علی اکبری دهکردی (۱۳۹۱) درباره رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین، وی به این نتیجه رسیده است که نتایج نشان داد بین هوش هیجانی زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد، باتوجه به وجود رابطه مثبت معنادار بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان و همسرانشان، کیفیت هوش هیجانی می‌تواند به عنوان سازه‌ای بنیادین و اثرگذار در روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایت‌مندان به شمار رود. علاوه بر این در تحقیقی دیگر در بررسی نقش هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در رضایت‌مندی زناشویی و مقایسه آن با متغیرهای جمعیت‌شناختی به این نتیجه رسیده‌اند باتوجه به ارتباط بالای هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با رضایت‌مندی زناشویی، مدارس، سازمان‌ها و کلینیک‌های خانواده درمانی می‌توانند از این متغیر در بهبود رضایت

زناشویی بهره ببرند و به بهتر شدن روابط انسانی کمک کنند (حسینی سده و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند می‌دانند که خود یا دیگران در یک لحظه خاص، در چه نوع حالت هیجانی به سر می‌برند. بنابراین قادرند به دقت عواطف گوناگون و متفاوتی چون خشم، ترس، احساس گناه و عشق را از هم تشخیص دهند. اساسی‌ترین توانایی مؤثر در هوش هیجانی (عاطفی)، دریافت و تشخیص دقیق عواطف است. این توانایی ظاهراً عامل اساسی تشکیل‌دهنده یک زمینه غنی عاطفی برای داشتن یک زندگی زناشویی سعادت‌مندانه محسوب می‌شود. در قرن حاضر که زندگی روزمره سرشار از استرس‌های مختلف می‌باشد توانایی کنترل هیجان‌های نامطلوب در سلامت هیجانی اهمیت خاصی دارد (گل‌من، ۱۹۹۵). همچنین توانایی بازشناسی هیجان‌ها در خود و دیگران برای سلامت هیجانی امری ضروری است. بدون وجود این توانایی درک و فهم احساسات و عواطف دیگران ناممکن بوده و افراد ممکن است هیچ تجربه همدلانه و فهم متقابل از یکدیگر نداشته باشند (زارعان و همکاران، ۱۳۸۶).

لازمه کمک به زوجین برای حل مشکلات زناشویی، شناخت عوامل و علل مؤثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی، هیجان‌ها قرار دارد (سلیمانیان، محمدی، ۱۳۸۸). نتایج پژوهشی درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات و همکاران (شات، مالوف، بابوک، کوستون، گریسون، جدلیکا، رودیز، وندورف، ۲۰۰۱) انجام شد، نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالا پاسخ‌های همراه با مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند، روابط نزدیک‌تر و محبت‌آمیزتری نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود تجربه کرده‌اند. شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوجین در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد

که می‌توان به کمبودهایی در توانایی خودآگاهی، خویش‌شناسی، همدلی و توانایی تسکین دادن یکدیگر اشاره نمود (مهانیان خامنه، برجعلی، سلیمی زاده، ۱۳۸۵). نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کفایت‌های عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و این مهارت‌های شخصی می‌توانند فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی موفق سازند. نتایج پژوهش بریکر (۲۰۰۵) نیز نشان داد که بین رضایت زناشویی و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش پاندی و آناند (۲۰۱۰) که به بررسی هوش هیجانی و رابطه آن با سازگاری زناشویی و سلامت در ۳۲ زوج هندی پرداختند، حاکی از آن بود که بین هوش هیجانی با سازگاری زناشویی و سلامت و تندرستی عمومی زوجین رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ یعنی سطوح بالاتر هوش هیجانی زوجین با سازگاری زناشویی بالاتر و سلامت و تندرستی بیشتر آنها همراه است. برخی نتایج، حاکی از آن است که کفایت‌های عاطفی، توان تحمل استرس و حل مشکلات روزمره را افزایش می‌دهد و این مهارت‌های شخصی می‌توانند شخص را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی موفق کند. گاتمن و همکاران وی (۱۹۹۴) دریافتند که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌تواند در رضایت زناشویی مؤثر باشد، چرا که روابط صمیمانه زوجین، نیاز به مهارت‌های ارتباطی دارد؛ مهارت‌هایی چون توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه که همسرشان تجربه کرده است، همچنین آگاهی داشتن و حساس بودن به نیازهای همسر.

اورتزی و تورآیین (۲۰۰۸) نیز در تحقیق خود دریافتند که مدیریت هیجان‌ها تأثیر مهمی بر سازگاری زناشویی زوج‌ها دارد. به نظر می‌رسد یکی از پایه‌های اصلی سازگاری زناشویی توافق‌پذیری و ابراز محبت و احترام است. با توجه به این‌که توافق دو نفری متکی بر همدلی و تفاهم است و تفاهم یکی از اصول پایداری خانواده است، بنابراین می‌توان با آموزش همدلی و تفاهم میزان توافق زوجین را در امور زندگی و تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در موقعیت‌هایی که اختلاف نظر وجود دارد، بالا برد. همچنین در صورتی که زوجین به‌موقع و به اندازه بتوانند نسبت به دیگری علاقه و محبت خود را به‌صورت صحیح ابراز نمایند و احترام متقابل نسبت به همدیگر نشان دهند، این زمینه می‌تواند

بدینی نسبت به یکدیگر را کاهش دهد و از این طریق سطح سازگاری زناشویی را بالا ببرند.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، بین مولفه شادمانی، استقلال فردی، تحمل فشار، خود شکوفایی و مسئولیت‌پذیری زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز تفاوت وجود دارد. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج، تیرگری، اصغرنژاد، بیان زاده و عابدین (۱۳۸۵)، سلیمانیان، محمدی (۱۳۸۸)، جهانگیری (۱۳۸۳)، شات، مالوف، بابیک، کوستن، جولیکا، رودز و وندورف (۲۰۰۱)، خسرو جاوید، (۱۳۸۱)، گاتمن و نوتاریوس (۲۰۰۰)، کار (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق حاضر مبنی بر عدم تفاوت بین گروه‌های متضاضی طلاق و غیرمتضاضی در مولفه‌های هوش هیجانی به‌جز مولفه شادمانی، تحمل فشار، خود شکوفایی و مسئولیت‌پذیری با نتایج تیرگری، اصغرنژاد، بیان زاده و عابدین (۱۳۸۵)، سلیمانیان، محمدی (۱۳۸۸)، جهانگیری (۱۳۸۳)، شات، مالوف، بابیک، کوستن، جولیکا، رودز و وندورف (۲۰۰۱)، خسرو جاوید، (۱۳۸۱) غیرهمسو می‌باشد.

تیرگری، اصغرنژاد فرید، بیان زاده، عابدین (۱۳۸۵) در تحقیقی نشان داد که نمره هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و هم چنین نمرات مولفه‌های سازنده آنها، بین همسران ناسازگار با سازگار تفاوت معنی‌داری داشت. بنابر این می‌توان گفت بین عوامل و مولفه‌های هوش هیجانی و سازگاری (رضامندی) زناشویی و تفاوت سطوح برخورد رای از ظرفیت‌های آن، در همسران سازگار با ناسازگار رابطه وجود دارد بنابراین کفایت هوش هیجانی زوجین به‌عنوان سازه‌ای بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضامندانه به‌شمار می‌رود، به‌نظر می‌رسد بتوان از طریق تصریح نقش هوش هیجانی در بهسازی روابط بین فردی و زناشویی با هدف کمک به همسران ناسازگار اقدامی موثر انجام داد.

نتایج بررسی‌های نشان داده است که سطوح هوش هیجانی با رضامندی زناشویی رابطه دارد و مولفه‌های بنیادی سازنده هوش هیجانی مانند شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام به نفس مثبت، تماس با خویشتن، احساس خودگردانی، انتظارات واقعی،

مهارت‌های بین فردی مناسب، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، توانایی حفظ نگرش مثبت به زندگی علی‌رغم وجود شرایط دشوار، در احساس رضامندی زناشویی سهم قابل توجهی دارد (فیزر، ۲۰۰۲).

با توجه به تأثیر هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی، شغلی و اجتماعی (گلمن، ۱۹۹۵) سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی (رضویان شاد، ۱۳۸۴) بهبود و اصلاح فعالیت‌های حرفه‌ای، موقعیت‌های شغلی (سیاروچی، فورگاس، مایر، ۱۳۸۳) موفقیت ورزشی ورزشکاران (آقای نوری، شریفی، آتش‌پور و حق‌نگهدار، ۱۳۸۶). هوش کلامی (مایر، سالووی و کاروسو، ۲۰۰۸) توانایی عمومی ذهنی، برنامه‌های آموزشی جهت بالا بردن هوش هیجانی در همه افراد بخصوص افراد متقاضی طلاق ضروری می‌نماید.

به‌طور کلی، اهمیت مولفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این‌گونه می‌توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین به مهارت‌های ارتباطی آن‌ها مثل توجه به مسائل از زاویه دید همسر، توانایی درک همدلانه آن چه همسر تجربه کرده است، احساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ کار، ۲۰۰۶).

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. محدودیت اول پژوهش این است که نتایج تحقیق فقط به نمونه پژوهش قابل تعمیم است و در تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط رعایت شود. محدودیت دوم مربوط به ابزارسنجش بود که فقط از ابزار خودگزارشی و پرسش‌نامه استفاده شد. بنابراین تعمیم پذیری نتایج آن در افرادی که به طور متفاوت (مصاحبه‌های ساختارمندبالینی، ارزیابی و بررسی مستقیم هوش هیجانی) بررسی شده‌اند، ممکن است با محدودیت مواجه شود. این پژوهش به‌صورت مقطعی انجام شده است و نمی‌تواند درباره رابطه سببی هوش هیجانی و تقاضای طلاق تبیینی ارائه دهد. پژوهش حاضر بر روی زنان صورت گرفته و لذا نمی‌توان به جامعه مردان تعمیم داد.

بر اساس محدودیت‌های موجود پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی علاوه بر پرسش‌نامه و روش خودگزارش‌دهی از روش مصاحبه بالینی نیز در تشخیص هوش

هیجانی استفاده شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های دقیق‌تر، مانند مصاحبه‌های ساختارمند بالینی به‌منظور کشف اطلاعات بیشتر و وسیع‌تر استفاده شود. اجرای مشابه این پژوهش بر روی گروه‌های دیگر و مقایسه نتایج آنها با یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مفید فایده قرار گیرد. به‌عبارت دیگر، اجرای تحقیق حاضر روی گروه‌های دیگر جامعه (خارج از دامنه مورد مطالعه) از دیگر پیشنهاد‌های پژوهشی است. پژوهشی بر روی مردان و یا هر دو جنس بصورت همزمان انجام شود.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، با توجه به شرایط کنونی جامعه در مورد مشکلات و نابسامانی‌های موجود در خانواده‌ها و پیامدهای منفی فردی و اجتماعی آن و نیز طرح این دیدگاه که هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده قوی برای موفقیت اشخاص است و همچنین با توجه به این که هوش هیجانی از طریق آموزش و یادگیری قابل تغییر و افزایش است؛ به نظر می‌رسد که پرداختن به این موضوع اولاً با تبیین ابعاد هوش هیجانی و تأکید بر اهمیت آموزش آن به آحاد جامعه در سنین پایین، از لحاظ نظری برای خانواده‌ها و آموزش رسمی کشور قابل توجه باشد؛ ثانیاً محتمل است که پرداختن به نقش مؤلفه‌های هوش هیجانی در اقدام به طلاق، اطلاعات دقیق‌تر و مشخص‌تری برای حل و فصل مشکلات خانوادگی فراهم کند.

با توجه به این که از مهم‌ترین علل ناسازگاری‌های زناشویی نبودن شایستگی کافی در مدیریت و تنظیم روابط هیجانی، وجود تفکرات ناکارآمد و غیرواقع‌بینانه و نا آگاهی نسبت به مهارت‌های اساسی زندگی به‌ویژه برخوردار نبودن زوج‌ها از مهارت‌های ارتباطی مناسب در رابطه زناشویی است، لازم است مهارت‌های هوش هیجانی از طریق یک نظام هماهنگ به زوج‌های جوان آموزش داده شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:	۱۳۹۳/۰۷/۲۴
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:	۱۳۹۳/۱۱/۰۲
تاریخ پذیرش مقاله:	۱۳۹۴/۰۲/۱۸

منابع

- احمدی، احمد (۱۳۸۳). مبانی و اصول راهنمایی. تهران: سمت.
- اکبرزاده، نسرين (۱۳۸۳). هوش هیجانی و دیدگاه سالووی و دیگران. تهران: انتشارات فارابی.
- آقایی، اصغر؛ نوری، ا؛ شریفی، غ؛ آتش‌پور، س.ح؛ حق‌نگهدار، فاطمه (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی با موفقیت ورزشی در ورزشکاران حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای. اولین همایش بین‌المللی علمی - ورزشی دانشگاه‌های جهان اسلام؛ تهران.
- بارکر، فیلیپ (۱۳۸۲). خانواده درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی. تهران: رشد.
- تیرگری، عبدالحکیم؛ اصغرزاد فرید، علی‌اصغر؛ بیان زاده، سیداکبر و عابدین، علیرضا (۱۳۸۵). مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۰۱.
- جهانگیری، علی؛ محمدی، محسن (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی زوج‌درمانی شناختی بر کاهش نارضایت‌مندی زناشویی زوجین. مجموعه مقالات دومین همایش ملی روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- حسن‌زاده، محسن (۱۳۸۶). بررسی روان‌شناختی ازدواج‌های ناموفق. مشهد: بنفشه.
- حسینی بیرجندی، مهدی (۱۳۸۶). مشاوره قبل از ازدواج (ویراست سوم). تهران: آوای نور.
- خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دلاور، علی (۱۳۸۷). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه بهر هیجانی بار اون (EQ-I) برای ارزیابی جنبه‌های مختلف هوش دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- رضویان شاد، مرتضی (۱۳۸۴). رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۳-۸۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

- زارع، محسن (۱۳۸۰). مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران.
- زارعان، مصطفی؛ اسداله‌پور، امین؛ بخشی‌پور رودسری، عباس (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های حل مسأله با سلامت عمومی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، ۱۶۶-۱۷۳.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۸۷). *هوش هیجانی و مدیریت در سازمان*. تهران: انتشارات سیطرون.
- ستوده، هدایت ا. (۱۳۸۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- ستیر، ویرجینیا. (۱۳۸۴). *آدم‌سازی در روانشناسی خانواده*، ترجمه بهروز بیرشک، تهران: رشد.
- سلیمانیان، علی‌اکبر؛ محمدی، اکرم (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. *پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، ۱۹، ۱۳۴-۱۵۰.
- سیاروچی، ژوزف؛ فورگاس، ژوزف و مایر، جان (۱۳۸۳). *هوش عاطفی در زندگی روزمره*، (چاپ اول)، ترجمه اصغر نوری امام‌زاده، حبیب‌الله نصیری. تهران: انتشارات نوشته.
- گلמן، دانیل (۱۳۸۰). *هوش هیجانی*. ترجمه نسرین پارسا، تاریخ اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۵. تهران: انتشارات رشد.
- مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). *تحلیلی بر ویژگی‌های ازدواج در ایران* (گرایش‌ها و روندها). تهران: مؤلف.
- Bar-on, R. (1999). *The Emotional Quotient Inventory (EQ-I)*. A test of emotional intelligence. Toronto: Multi Health System Inc.
- Bar-on, R. (2005). The Bar-on model of emotional social intelligence (ESI). *Psychotherapy*, 18, 13- 25.
- Bar-on, R., Parker, J.D.A. (2000). *The Hand Book of Emotional Intelligence*. Sanfrancisco California, Jossey-Boss.
- Batt, V.J., Gabhainn, S. & Falvey, F. (2005). *Perspectives on the Provision of Counselling to Women in Ireland*. Dublin: Women's Health Council.
- Bricker, D. (2005). The link between marital satisfaction and emotional intelligence. Unpublished master's thesis University of Johannesburg.

-
- Carr, A. (2006). Family therapy: Concepts, process & practice (second edition). John Wiley & sons, Ltd.
- Golman D.(1995). *Emotional Intelligence*. 1st ed. New York: Bantam; 55-86.
- Golman D.(1995). *Emotional Intelligence*. 1st ed. New York: Bantam; 55-86.
- Gottman, J. M.(1993) A Theory of Marital Dissolution and Stability. *Journal of Family Psychology*. 7, 1, 57-
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62, 927-947.
- Kiecolt-Glaser, J. K, Newton, T. (2001). Marriage and health: his and hers. *Psychological Bulletin*, 127:472-503.
- Markman, H.J., Floyd, F. (2002). Possibilities for the prevention of marital discord: A behavioral perspective. *American Journal of Family Therapy* 1981; 9: 30-48.
- Mayer, J.D., Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence? In P.Salovey and D.Sluyter (Eds)*. Emotional development and emotional intelligence: Implicationc for educators. (pp, 3-31). New York Basi.
- Mayer, J., Salovey, P., Caruso, D. (2008). Emotional intelligence: New ability of eclectic traits. *American Psychologist*, 63: 50317.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9, 185-211.
- Schutte, N.S., Malouff, J., Bobik, C., Coston, T., Greeson, C., Jedlicka, C., Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *Journal of Social Psychology*, 141(4), 523-536.
- Whisman, M. A., Sheldon, C.T., Goering, P. (2000). Psychiatric disorders and dissatisfaction with social relationships: Does type of relationship matter? *Journal of Abnormal Psychology*, 109; 803-808.
- Zeidner, M., Matthews, G., Roberts, R.D. (2009). What we Know about emotional intelligence: How it a. ects learning, work, relationships, and our mental health. Massachusetts: The MIT Press.